

نسل کشی سال ۶۷

فریدون صبوری - مونترال

نزدیکترین خاطره ام، خاطره قرن ها است
بارها به خونمان کشیدند
نماز گذاردم و قتل عام شدم که رافضی ام دانستند
نماز گزاردم و قتل عام شدم که قرمطی ام دانستند
شاملو

● رقم اعدام شدگان در کلیه زندانهای کشور، از تمام سازمان های سیاسی ایران بیش بر ۱۸۰۰۰ هزار نفر میباشد.

کشتار زندانیان در سال ۶۷، با حکم عمومی از طرف خمینی صورت گرفت. اینکه این زندانیان پیشتر به مدتی حبس محکوم شده بودند و اینکه محکومیت بسیاری از آنها پایان یافته و باید آزاد می شدند در فرمان قتل عام تأثیری نداشت. (۱) کشتاری برنامه ریزی شده برای پاکسازی زندانها به فرمان «رهبر انقلاب» که بتازگی جام زهر را با پذیرش آتش بس با عراق سرکشیده بود و قسمت اعظم برنامه های جاه طلبانه خود را برای صدور «انقلاب اسلامی» شکست خورده میدید، شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» دیگر در مقابل واقعیت زندگی روزمره رنگ پاخته بود. کشور در آستانه ورشکستگی کامل بود و شکست خفت بار حکومت و چند پارچگی آن در پیش بود. خمینی آرزوهایش را در رابطه با آرمانشهر «مدینه النبی» بر باد رفته می دید، پس منافق و مشرک را به قتلگاه روانه میکند. «تصمیم به کشتار بزرگ زندانیان سیاسی تقاص یک مرگ بود. مرگ یک آرمان و این تقاص تنها با خون پرداخته می شد. خون منافقین و مشرکین که تا زنده اند آرام ندارند و نمی گذارند جمهوری اسلامی رنگ آرامش ببیند.» (۲) بدینسان در هولناک ترین فاجعه تاریخ معاصر ایران، هزاران زندانی مجاهد و چپ بنام محارب و مرتد بخاطر حفظ و تثبیت «انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران» در دادگاه تفتیش عقاید رژیم توسط «هیئت مرگ» مرکب از اشرافی و نیری و پورمحمدی دوده و صدصد در زندانهای قزل حصار، گوهردشت و اوین بدار آویخته یا تیرباران شدند. فاجعه ای که در سایر استانها و شهرستانها نیز با سبعیت کم و بیش یکسانی انجام گرفت. «... بارها و بارها تصویر ذهنی زندانیانی را که می شناختم می بینم در حالی که در تقلاوند که به سؤالیهای مسخره قاضی شرع جوابی بدهند که هم زنده بمانند و هم چیزی یا نشانی از مقاومت در آن باشد. ناباوری شان را می بینم وقتی که به حسینیه برای دازدن برده می شوند؛ گروهی می گریند، گروهی دشنام می دهند و همه می لرزند اما لرزش خود را مخفی می کنند. برخی لبخند می زنند، نومیدانه، و انتظار لحظه آخر را می کشند. بعضی از نگهبانها در اجرای حکم اعدام با هم رقابت می کنند تا ثواب بیشتری ببرند. گروه کمتری از آنها از مشاهده این همه جسد احساس بی تابی و درد می کنند. برخی از زندانیان می جنگند، حمله می کنند و به شدت کتک می خورند. مراسم اعدام به سرعت اجرا می شود. آخرین ضجه های مرگ خاموش می شود و نمی دانم چرا نمی توانم تصویری از آنها در ذهن بسازم در حالی که بالای چوبه دار خاموشند. نمی توانم تصویری از پایان رنج بسازم...» (۳)

در حکم قتل، مبنی بر قتل عام زندانیان سیاسی که در آن زمان کاملاً مخفی نگهداشته شد، خمینی دستور نابودی سریع «دشمنان اسلام» را صادر میکند.

((اسناد کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی بدستور شخص خمینی))

بسم الله الرحمن الرحيم
از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حیله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده اند، و با توجه به محارب بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاریهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استخبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضوع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند محارب و محکوم به اعدام می باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رأی اکثریت آقایان حجه الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشرافی (دادستان تهران) و نماینده ای از وزرات اطلاعات می باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندانهای مراکز استان کشور رأی اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزرات اطلاعات لازم الاتباع می باشد، رحم بر محاربین ساده اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمائید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند «اشداء علی لکفار» باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد. و السلام. **روح الله موسوی الخميني**

این نامه تاریخ هم ندارد اما در پشت آن آقای حاج احمد آقا نوشته است:

پدر بزرگوار حضرت امام مد ظله العالی

پس از عرض سلام، آیت الله موسوی اردبیلی در مورد حکم اخیر حضرتعالی در باره منافقین ابهاماتی داشته اند که تلفنی در سه سوال مطرح کردند:

۱. آیا این حکم مربوط به آنهاست که در زندانها بوده اند و محاکمه شده اند و محکوم به اعدام گشته اند ولی تغییر موضع نداده اند و هنوز هم حکم در مورد آنها اجرا نشده است، یا آنهايي که حتی محاکمه هم نشده اند، محکوم به اعدامند؟
۲. آیا منافقین که محکوم به زندان محدود شده اند و مقداری از زندانشان را هم کشیده اند ولی بر سر موضع نفاق می باشند محکوم به اعدام می باشند؟
۳. در مورد رسیدگی به وضع منافقین آیا پرونده های منافقینی که در شهرستانهایی که خود استقلال قضائی دارند و تابع مرکز استان نیستند باید به مراکز استان ارسال گردد یا خود می توانند مستقلاً عمل کنند؟ **فرزند شما احمد**

زیر این نامه نوشته شده:

بسمه تعالی

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است، سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به وضع پرونده ها در هر صورت که حکم سریعتر انجام گردد همان مورد نظر است. (۴)

روح الله الموسوی الخمینی

بدنبال این حکم که در آن زمان در کمال خفا صورت پذیرفت، آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در سخنرانی نماز جمعه تهران در مرداد سال ۱۳۶۷ بر اعدام زندانیان سیاسی پافشاری می کند. «... اینها آمدند، اینها نمی دانند مردم اینها را از حیوان پست تر می دانند. مردم علیه اینها چنان آتشی هستند؛ قوه قضائیه در فشار بسیار سخت افکار عمومی که چرا اینها اعدام نمی شوند؛ یک دسته شان زندانی می شوند... مردم می گویند آقا باید از دم اعدام شوند، قاضی از آن طرف گرفتار یک سلسله مسائل... از این طرف فشار افکار عمومی، از همه بیشتر من باید از این بدبخت تشکر کنم که کار ما را آسان کرد. ما ده تا ده تا، بیست تا بیست تا، محاکمه می کنیم، پرونده بیار، پرونده ببر، متأسفم می گویند خمشن از بین رفته، ای کاش همه شان از بین بروند. یک مرتبه مسئله تمام شود» (۵)

آمار قتل عام آنچنان زیاد است که حتی منتظری قائم مقام خمینی با انتشار سه نامه در مرداد ۱۳۶۷ زبان به اعتراض سخت می گشاید. (این گونه قتل عام بدون محاکمه، آن هم نسبت به زندانی و اسیر، قطعاً در دراز مدت به نفع آنها است و دنیا ما را محکوم می کند و آنان را بیشتر به مبارزه مسلحانه تشویق می کند. مبارزه با فکر و ایده از طریق کشتن غلط است.) وانگهی اعدام آنان بدون فعالیت دید، زیر سؤال بردن همه قضات و همه

قضات های سابق است. کسی را که به کمتر از اعدام محکوم گردیده، به چه ملاک اعدام می کنند...» (۶)

بدین ترتیب، ۷ سال بعد از کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۰، یکبار دیگر نسلی از فرزندان این مرز و بوم که سواد آزادی و برابری در سر داشتند در زندانها جان باختند تا ارتجاع و استبداد بتواند چند صباحی دیگر به حاکمیت ننگین خود ادامه دهد. (امسال چه سالی است. سال شکنجه و کشتار دسته جمعی زندانیان. امسال سال مرگ و ترور است. سالی که هزاران زندانی را تنها بخاطر چگونگی افکارشان کشتند و شکنجه کردند. سالی که بیشتر از همیشگی به آزادی خون پاشیدند و سال ۶۰ را در تاریخ ایران تکرار کردند. سالی که یکبار دیگر اسلام را در انسان کشی در کنار نازیسم قرار داد.) (۷)

انسانهای بی دفاعی که در نبردی نابرابر، بخاطر جاه طلبی های خمینی توسط لاجوردی ها و داوود لشکری ها نسل کشی شدند. «یادم می آید یک بار که ما را به زور به حسینیه برده بودند، لاجوردی می گفت: ما نمی گذاریم که شماها زنده از اینجا بیرون بروید. ما اشتباهی که شاه کرد نمی کنیم. در زمان شاه تعداد کمی زندانی آزاد شدند و هر کدام یک گروه درست کردند. اگر یک روز بگذاریم شماها بیرون بروید، جریانات زیادی را درست خواهید کرد، برای همین، قبل از چنان روزی همه تان را خواهیم کشت.» (۸) بدین ترتیب ۷۵ درصد از زندانیان مرد بنام مجاهد و چپ که حاضر به قبول شرایط زندانبانان نبودند، کشته شدند. داوود لشکری به ما گفت، همه کسانی را که با ما همکاری نکردند دار زدیم. دوستانتان را کشتیم، شما را هم می کشیم. آنهایی که گردنشان کلفت بود کشیدیم تا گردنشان نازک شد.» (۹)

بوی خون فضای زندانها را پوشانده است. در اوین دسته، دسته اعدام میکنند و در گوهردشت گروه گروه دار میزنند، جان دادن زندانیان بالای دار گاهی تا ۱۵ دقیقه به درازا میکشد. کامیونهای پر از جنازه مخفیانه و شبانه از زندانهای اوین و گوهردشت راهی گورستان خاوران میشود، جانی که جنازه ها را دسته جمعی دفن میکنند. «دیروز گوشم را به درز گذاشته بودم و صدای رفت و آمد و صحبت های نگهبانان را گوش می دادم که شنیدم پاسدار مومنی به پاسدار حمیدی می گفت بیا بریم، حاج آقا منتظر است. اگر دیر برویم عصبانی می شود، بیا باید برویم. حمیدی به او گفت نمی تویم، بوی خون حالم را بهم می زنه، دیگه نمی تویم ادامه بدم. چرا آنها را می کشیم چرا باید جنازه هاشون را توی کامیون بریزیم. من از روحشان می ترسم. شاید ما را نفرین کنند. صدای گریه حمیدی را می شنیدم. مومنی به او گفت لوس نشو، بزودی تمام می شه، حالا باید برویم نمی خواهی که حاج آقا را عصبانی کنی، می خواهی؟ صدای گریه حمیدی در صدای پایشان که می رفتند گم شد.» (۱۰)

کم نبودند کسانی که به رژیم جهل و جنایت نه گفتند، تن به خواسته اش ندادند، از آرمان شان دفاع کردند و مرگ و زندانبان و مجموعه حاکمیت را به سرخه گرفتند و با سری افرشته و قدمهای سنگین که در آن طنین آرزوی نسلی برای آزادی و برابری به گوش میرسد به پیشواز مرگی شرافتمندانه و پر حماسه شتافتند تا تداوم مبارزه را جان بخشند.

«... می خندد، موهایش را به شکلی زیبایی بافته است، بهترین لباسش را پوشیده است و زیباتر از همیشه به نظر میرسد. در حالیکه نگاهش می کنیم با سری بلند، با غرور، شادی و اعتماد بنفس به سوی میدان تیر می رود. بالای پله ها بر می گردد نگاهمان می کند و در حالیکه می خندد برایمان دست تکان داد. می رود تا با مرگش رژیم را در تسلیم کردنش شکست دهد. می رود تا با مرگش شاهد مقاومت و پایداری و به هیچ گرفتن مرگ باشد» (۱۱)

از تعداد واقعی اعدام شدگان بدین خاطر که سندی بر جای نمانده است، اطلاع درستی در دست نیست ولی بسیاری از جان به در بردگان شمار اعدام شدگان را بین ۵ تا ۶ هزار نفر تخمین میزنند.

«یک زندانی از گروههای چپ گرا می نویسد که هیچ یک از ۵۰ مجاهدی که با او در یک بخش زندانی بودند به بندهای خود باز نگشتند. به نوشته مردی متعلق به همان گرایش، هیچکدام از ۱۹۵ تن از ۲۰۰ مجاهدی که در یکی از بخش های زندان گوهردشت نگهداری می شدند، باز نگشتند.» (۱۲)

ریئالدو گالیندوپل، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش سال ۱۹۸۸ مشخصات ۱۰۹۳ زندانی سیاسی قتل عام شده را ارائه میدهد.

عفو بین الملل در ژانویه ۱۹۸۹ در گزارشی با عنوان «مجازات مرگ در ایران» با کمال احتیاط رقم قربانیان را حداقل ۲۵۰۰ نفر میدانند. بر اساس گفته های خانواده های زندانیان سیاسی در مراسم سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی، درخاوران، گورستانی که بر اساس شواهد انکار ناپذیر پیکر صدها زندانی سیاسی را بصورت گورهای دسته جمعی در خود دارد، رقم اعدام شدگان در کلیه زندانهای کشور، از تمام سازمان های سیاسی ایران بالغ بر ۱۸۰۰۰ هزار نفر میباشد (۱۳).

این قتل عام سازمان یافته بر اساس مصوبه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژوئیه ۱۹۹۶ در زمره جنایاتی قرار میگیرند که تحت عنوان "جنایت علیه صلح و امنیت بشری" قابل مجازات بین المللی دانسته شده اند. (۱۴)

مضافاً بر اساس کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در سال ۱۹۷۶ قدرت اجرائی پیدا کرد و ایران یکی از امضاء کنندگان این میثاق است، پرونده کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۷ در کمیته حقوق بشر این کنوانسیون نیز قابل مطرح شدن میباشد. (۱۵) بر این اساس باید همصدا با خانواده زندانیان سیاسی و عقیدتی اعدام شده، خواستار تشکیل کمیسیون بین المللی برای روشن شدن جنایت ها و ترورهای جمهوری اسلامی گردید. شکی نیست که جمع آوری اسناد و آمار معتبر جهت ارائه به سازمانهای بین المللی برای شروع این دادخواهی باید از وظایف اساسی گروههای مدافع حقوق بشر در خارج از کشور باشد که متأسفانه کار چندانی تاکنون در این باره صورت نپذیرفته است. در شهریور ماه ۶۸، خانواده کشتار شدگان در تلاش برای پیدا کردن رد و نشانی از عزیزان خویش در نامه ای سرگشاده به هاشمی رفسنجانی که تاکنون بی پاسخ مانده، خواستار آنند که بدانند:

(۱) به چه جرمی آنها را به قتل رساندید؟

(۲) آنان در چه دادگاهی، توسط کدام هیئت منصفه و بر طبق کدام قانون مدونی جملگی محکوم به اعدام شدند؟

چرا و به کدام دلیل زندانیانی که در "دادگاههای شرع" جمهوری اسلامی مدت ها بود که محکوم شده بودند و مدت محکومیت خود را می گذارند، به یک باره ظرف دو تا سه ماه پشت درهای بسته تیرباران شدند؟

(۴) چرا از انتشار اخبار تعداد واقعی قربانیان این قتل عام در مقابل مردم و افکار عمومی خودداری می کنید و به سؤال های

صریح مردم و خانواده های زندانیان سیاسی جواب های سربالا می دهید؟» (۱۶)

بدون شک تنها با طرح هر روزه این رویداد هولناک و یاری شاهدان عینی زندانهای مرگ آفرین جمهوری اسلامی جهت موشکافی هرچه بیشتر ابعاد متفاوت این فاجعه انسانی میتوان به داده ها و توضیحاتی دست یافت که در آینده ای نه چندان دور بتوانند به عنوان اسنادی زنده در محاکمه طراحان اصلی این جنایت عظیم علیه بشریت کارگر افتد تا مردم ایران و جهانیان از آن همه جنایت آگاهی یابند. برپائی دادگاهی بنام انسانیت بخاطر پایان دادن به دورتسلسل اعدام و شکنجه. بخاطر چیرگی حافظه بر فراموشی، بخاطر ثبت در حافظه تاریخی یک ملت، بمنظور نشان دادن

عزم و اراده مردم برای پیگیری این جنایت و سرانجام بخاطر آنکه شایسته نام یک ملت باشیم و به پیشبرد مبارزه علیه خودکامگی و برقراری مردمسالاری یاری رسانیم، پرکزاری هر ساله یادمان کشتار زندانیان سیاسی وظیفه اساسی هر نهادی است که در راه دفاع از آزادی، دموکراسی، برابری، حقوق بشر و تحقق آن گام بر میدارد: تنها در چنین صورتی است که یاد این قربانیان در ذهن تاریخی کشورمان جاودانه میشود. شاملو بزرگ مرد شعر امروز ایران چه زیبا با ذهن نقاد و دوراندیش خویش که آکنده از حرمت به انسان و انسانیت است، قربانیان و قصابان این فاجعه هولناک را به تصویر میکشد.

باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد
که مادران سیاهپوش
داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد
هنوز از سجاده ها سر برنگرفته اند.

پانویس:

۱. هرگز فراموش نمی کنیم، منیره برادران، کتاب زندان، جلد دوم، ویراستار ناصر مهاجر
 ۲. پیشینه زندان جمهوری اسلامی: ناصر مهاجر. کتاب زندان جلد اول
 ۳. «پس از ۶۷» هرمز متقی، نقطه شماره ۶
 ۴. روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۵۲۳
 ۵. روزنامه رسالت و کیهان، ۱۵ مرداد ۶۷
 ۶. ۳ نامه از حسینعلی منتظری، چشم انداز شماره ۶
 - ۷، ۸، ۹. دندانم با من حرف میزند: نسرين پرواز، زیر بوته لاله عباسی، سوئد، انتشارات نسیم
 ۱۰. پوی خون، نسرين پرواز، زیر بوته لاله عباسی
 ۱۱. آخرین بوسه: نسرين پرواز، زیر بوته لاله عباسی
 ۱۲. کشتار تابستان ۱۳۶۷، پروانده آبراهامیان، برگرفته از نشریه خاوران شماره ۹
 ۱۳. شهروند، شماره ۷۱۸، شهریور ۱۳۸۱
 ۱۴. زندانهای اسلامی و جنایت علیه بشریت، منیره برادران، کتاب زندان، جلد دوم
۱۵. www.polprih.com. مقاله دادخواهی، ن. نوری زاده
۱۶. کشتار بزرگ، ناصر مهاجر، کتاب زندان، جلد ۲

کتاب شناسی ((ادبیات زندان)) درباره زندانهای جمهوری اسلامی

۱. خاطرات زندان توحیدی: پرویز اوصیاء
۲. خوب نگاه کنید راستکی است. پروانه علیزاده
۳. حقیقت ساده، ۳ دفتر. منیره برادران. م. رها
۴. یادهای زندان. ف. آزاد
۵. خاطرات زندان. شهرنوش پارسى پور
۶. و هنوز قصه بر یاد است. حسن درویش
۷. خاطرات یک زندانی از زندانهای جمهوری اسلامی. دکتر رضا غفاری
۸. زیر بوته لاله عباسی: نسرين پرواز
۹. در اینجا دختران نمی میرند. شهرزاد
۱۰. گفتگوهای زندان، انتشارات سنبله، آلمان
۱۱. کتاب زندان، جلد اول و جلد دوم. نشر نقطه، ویراستار ناصر مهاجر
۱۲. از اوین تا پاسیلا، خاطراتی از زندانهای داخل و خارج کشور. د. البرز
۱۳. اوین، جلد اول، گاهنامه ۵ سال و اندی، جلد دوم، جامعه شناسی زندانی و زندانبان، محمد جعفری
۱۴. نبرد نابرابر. نیما پرورش